

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال چهاردهم، شماره‌ی سوم، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۵۳، صص ۹۳-۱۲۰

DOI: 10.22099/JBA.2022.42681.4191

بررسی و تحلیل کنش‌های گفتاری منطق‌الطیر عطار در پیشبرد روایت با تأکید بر نظریه‌ی جان آر سرل

منوچهر تشکری*

نسرین گبانچی**

چکیده

کنش گفتاری یا کارگفت از نظریات زبان‌شناسی و فلسفی کاربردشناسی زبان به شمار می‌آید. در این نظریه، کاربرد افعال در ساختار گفت‌وگویی با توجه به موقعیت کلام و ارتباط‌های اجتماعی بررسی و واکاوی می‌شود. روایت منطق‌الطیر نیز با توجه به اینکه متن داستانی شاخصی در زمینه‌ی گفتمان روایی است، بر پایه‌ی گفت‌وگوها پیش رفته و روایت آن در پیوند با ساختار معنایی افعال و جملات گفت‌وگویی، با کنش گفتاری تلاقی می‌یابد و در ساختار نظام‌دهنده‌ی داستان یا روایت کلی آن بررسی می‌شود، چنان‌که معنای افعال در کنش گفتاری و در مسیر القای مفهومی خاص در هنگام کارکرد فعل بازیابی می‌گردد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل افعال و بافت موقعیتی پاره‌گفتارهای منطق‌الطیر با توجه به شاخصه‌های نظریه‌ی کنش گفتاری است و در پی پاسخ دادن به این پرسش است که گفت‌وگوهای هدهد و پرندگان قابلیت بررسی بر پایه‌ی پنج گونه کنش گفتاری دارد یا خیر. این پژوهش به روش تحلیلی و آماری، کنش گفتاری افعال

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز tashakori_m@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات غنایی) دانشگاه شهید چمران اهواز n.gobanchi@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

را در پیشبرد گفتمان روایی *منطق‌الطیر* و با توجه به بررسی پنج گونه کنش گفتاری «گفت‌وگوهای هدهد و پرندگان» مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که نوع کنش گفتاری اظهاری (توصیفی) در گفت‌وگوهای مذکور، کارکرد اجرایی بیشتری داشته و دیگر کنش‌های گفتاری موردبحث در سایه‌ی این گونه تحقق یافته‌اند؛ هرچند کنش عاطفی پرندگان و کنش ترغیبی افعال هدهد نیز درجهت گفتمان روایی و بافت موقعیتی ساختار جملات نقش برجسته‌ای داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: جان آر سرل، روایت، کنش گفتاری، *منطق‌الطیر* عطار.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

کنش گفتاری یا کارگفت (Speech act theory) از نظریات مهم در کاربرد کلمات و جملات است. در این نظریه، نحوه‌ی کارکرد، نظام و قواعد گفت‌وگوها، واژگان و جملات در ساختار نحوی و معناشناختی موردواکاوی قرار می‌گیرد و به قاعده‌مندی جملات و گفتارهای کاربردی در کنش‌های مضمونی و اجرایی نیز توجه می‌شود. ویژگی معنایی و کاربردی جمله به‌صورت نحوی، فارغ از معنای صرفی و واژگانی اولیه، در ساخت و بافت‌های موقعیتی کارگفتی جملات نمایان می‌شود. جمله‌های موردبررسی در کنش گفتاری به‌صورتی جدای از کنش معنایی اول و نیت القای معنی، به‌صورت «کنش در گفته» (رک. طبیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۱)، یعنی توجه به بررسی معنای ذخیره‌شده‌ی جملات در کارکرد اظهاری یا توصیفی، تعهدی، تقریری (اعلامی)، ترغیبی و عاطفی آن‌ها بوده است. در آغاز این‌گونه به نظر می‌رسد که کارگفت تنها نظریه‌ای زبانی است؛ درحالی‌که به دنبال «تحلیل مسائل فلسفه‌ی زبان به‌ویژه افعال زبانی است» (سرل، ۱۳۸۷: ۱۱).

رخداد گفتاری با توجه به نظریه‌ی جان آستین (John Austin)، دربردارنده‌ی سه کنش مرتبط به هم است:

نخستین آن، کنش بیانی یا لفظی است که به‌منزله‌ی کنش اساسی پاره‌گفت یا تولید معنی‌دار زبانی به شمار می‌آید.^۱ دوم، کنش منظوری (غیربیانی) که در آن، اجرای این

کنش منظوری از طریق توان ارتباطی پاره‌گفت صورت می‌گیرد؛ مانند توصیه، تعارفات، توضیح و اهداف ارتباطی دیگر. سوم، کنش تأثیری یا کنش پس از بیان، دارای کارکردی است که واکنش مخاطب یا خواننده را برانگیزد یا متأثر کند (رک. یول، ۱۳۹۵: ۶۷).

نخستین بار جان آستین نظریه‌ی کنش گفتاری را بنا نهاد و پس از او جان سرل (John Searle)، شاگردش، به پرورش، بالندگی و حوزه‌بندی آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم در دسته‌بندی پنج‌گانه‌ی «توصیفی، ترغیبی، تعهدی، اعلامی و عاطفی» همت گماشت. در کنش گفتاری مورد بررسی آستین و سرل، تأکید بر جنبه‌ی منظوری یا غیربیانی پاره‌گفتارها و جملات است؛ چون ویژگی غیربیانی آن جدای از معنای لفظی و تأثیری‌اش بر خواننده در تحلیل جنبه‌های ثانوی و معنایی کنش غیرمستقیم و مجازی جملات کاربردی‌تر است و به کاوش‌های علمی و تحلیلی مؤثرتر در زمینه‌ی معنای آن فارغ از جنبه‌های دیگر منجر می‌شود.

روایت (narrative) به‌عنوان یکی از کارکردهای کنشی زبان در جملات و به‌گونه‌ای وسیع‌تر، در ترکیبی از جمله‌ها، یعنی جملات مرکب، قطعات داستانی، داستان و... نمایان می‌شود. کنش‌های گفتاری جملات در سطح دوم کنش‌های زبانی مورد توجه آستین و سرل، می‌تواند در آثاری مانند منظومه‌های شاعرانه تحلیل شود. آزادی روایت در عمل محدود است؛ اما می‌توان این محدودیت را با توجه به نقش زبان‌شناخت رمزهای زبانی آن و کاوش در جملاتی که در بردارنده‌ی روایت‌اند، برطرف کرد. به عبارتی: «روایت از نقطه‌ای به‌شدت رمزگذاری شده آغاز می‌شود تا به جمله برسد که حد نهایت آزادی ترکیبی است؛ سپس از گروه‌های کوچکی از جمله‌ها (خرد-پی‌رفت‌ها) آغاز می‌گردد که هنوز آزادند و تا عرصه‌ی کنش‌های اصلی پیش می‌رود» (بارت و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴). در واقع رویداد روایت، همان کارکرد زبان است که در کنش غیربیانی پدیدار می‌شود.

روایت، اصطلاحی است که برای هر نوع بیان قصه‌داری به کار می‌رود. بنابر نظر بارت (Bartes) که به جنبه‌ی ساختاری روایت توجه داشته، «روایت، جمله‌ای طولانی است، به همان صورتی که هر جمله‌ی خبری به معنایی خاص، الگویی از یک روایت است»

(قاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۹). در این تعریف، هر جمله روایتی را در بطن خود دارد و سواى توجه به پی‌رنگ و منطق علی و معلولیِ جملاتی که پس از آن می‌آیند، در خدمت روایت گسترده‌تری، برای نمونه در سطح یک داستان قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر روایت کنش‌های گفتاری افعال را در سطح پاره‌گفتارها و جمله‌های منظومه‌ی منطق‌الطیر مورد توجه قرار می‌دهد که پی‌آیندی معنایی جملات در کنش غیربیانی، به شکل‌گیری روایت اصلی (سفر سیمرخ به سیمرخ) در کنار خرده‌روایت‌های دیگر، مانند روایت مرغان و عذر پرندگان، روایت هدهد و پاسخش به آن‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌های هدهد و روایت عطار در کنار دیگر روایت‌ها (درنگ توصیفی) منجر می‌شود.

سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا افعال منطق‌الطیر در گفت‌وگوی میان پرندگان و هدهد بر پایه‌ی کنش‌های

معنایی بنا شده‌اند؟

۲. کنش گفتاری افعال منطق‌الطیر در روایت عطار و روایت پرندگان و هدهد بر پایه‌ی

چه کارکرد معنایی مطرح شده‌اند و این کارکرد تا چه اندازه در کنش گفتاری بیان شده

در روایت اصلی و خرده‌روایت منطق‌الطیر تأثیر داشته است؟

درحقیقت فرض اصلی پژوهش بر آن است که روایت گفت‌وگوهای میان پرندگان و

هدهد و روایت اصلی این منظومه که عطار مطرح کرده، بر پایه‌ی کنش گفتاری و معنایی

بیان شده که به صورت رخدادهای گفتاری و کنش مضمون در سخن بوده است. نگارندگان

با بررسی این نظریه در پی آن هستند تا رخدادهای و کنش‌های گفتاری گفت‌وگوهای

مطرح شده در منطق‌الطیر را که سبب بیان روایی برجسته‌ی این منظومه شده و اینکه

چگونه هریک از این کنش‌های پنج‌گانه در پیشبرد روایت اصلی و خرده‌روایت‌های

شاعرانه و هنری منطق‌الطیر تأثیر داشتند، نمایان کنند.

۲.۱. پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط با پیشینه‌ی این پژوهش باید گفت که پژوهش‌های متفرقه‌ای درباره‌ی کنش گفتاری در برخی از اشعار انجام شده است؛ مانند «کنش گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه‌ی اجتماعی در *گرشاسب‌نامه*» از مریم جلالی و معصومه صادقی (۱۳۹۵) و «*منطق‌الطیر عطار و منطق‌گفتگویی*» از احمد رضی و محسن بتلاب اکبرآبادی (۱۳۸۹) که در آن به بررسی نشانه‌های چندآوایی و نمودهای آوایی این منظومه و وجوه مکالمه‌ای آن پرداخته‌اند. همچنین بتلاب اکبرآبادی و رضی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختار روایی منظومه‌های عطار»، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه* و *منطق‌الطیر* را با توجه به آرای باختین تحلیل کرده‌اند. سمیرا شفیعی (۱۳۹۹)، نیز در مقاله‌ی «بررسی اقتباس در روایت رساله‌الطیرهای فارسی و عربی از منظر پیوند نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل و بیش متنیت ژرار ژنت» به بررسی رابطه‌ی میان‌متنی رساله‌الطیرهای عربی و فارسی با توجه روایت‌شناسی ژنت (Genette) و کنش گفتاری سرل پرداخته است؛ اما پژوهش حاضر بر آن است تا به کنش‌های گفتاری *منطق‌الطیر* در گفت‌وگوهای هدهد و پرندگان و چگونگی پرداخت آن‌ها در روایت اصلی و خرده‌روایت‌ها بر پایه‌ی نظریات روایی بارت و گریماس (Greimas) که سبب برجسته شدن آن شده، بپردازد.

۳.۱. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است. نگارندگان پس از تحلیل گفت‌وگوها بر پایه‌ی افعال گفتاری و توجه به نظریه‌ی کنش سخن و رخدادهای گفتاری سرل، به تحلیل افعال و بافت موقعیتی پاره‌گفتارهای *منطق‌الطیر* با توجه به شاخصه‌های موردنظر در این نظریه، پنج کنش گفتاری اعلامی، ترغیبی، عاطفی، اظهاری و تعهدی و تطبیق آن‌ها به صورت آماری پرداخته‌اند.

۲. مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

۲.۱. کنش‌گفتاری در زبان‌شناسی و ادبیات

کلمه، جمله و پاره‌گفتار در ساختار کلامی و آوایی، معنا و مفهوم می‌یابند. به نظر باختین (Bakhtin): «زبان برای انتقال اندیشه‌ها و نگرش‌ها به کار می‌رود و ویژگی‌های زبان، سبکی یا دستوری نیست؛ بلکه جنبه‌هایی از زندگی واژه است که از مرزهای زبان‌شناسی فراتر می‌رود» (Bakhtin, 1984: 181)؛ بنابراین معنی جملات، وابسته به واژه‌های آن‌هاست که این واژه‌ها در کاربردهای مختلف می‌توانند کارکردهای گوناگونی داشته باشند که به تمایز معنایی و کنش‌اجرایی منجر می‌شوند و تحلیل کارگفتی در این باره نمود می‌یابد که در پی بازیابی معنای متن با ماهیتی کارکردی است. اگرچه جان لاینز (John Lyons) و چامسکی (Chomsky) با بررسی حاصل فرایند کنش، به جنبه‌ی آوایی و گفتاری پاره‌گفتارها و جملات در مجرای ارتباطی و کلامی توجه کرده‌اند و به شاخصه‌ی پاره‌گفتارها در جنبه‌ی آوایی آن و تفاوتش با جنبه‌ی نگارشی پی برده‌اند؛ اما این جنبه از توجه آن‌ها به کاربرد زبانی و آوایی پاره‌گفتارها به کنش‌اجرایی و افعال آن ختم نمی‌شود، در حالی‌که جان آستین و سرل و پیش از این دو، گرایس (Grice)، به جنبه‌ی معنایی کلام توجه کرده‌اند. هرچند که گرایس «در توضیح و تحلیل معنا تنها به قصد گوینده توجه کرده و هیچ نقشی برای الفاظ و نشانه‌هایی که گوینده برای ابراز قصد خود به کار می‌برد، قائل نشده است» (سرل، ۱۳۸۷: ۶۳)؛ اما سرل و آستین، به معنا و قصد گوینده توجه کرده‌اند.

۲.۱.۱. کنش‌گفتاری جان آر سرل

نخستین بار جان آستین، یکی از فلاسفه‌ی مکتب آکسفورد، سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد نظریه‌ی کنش‌گفتاری را در سخنرانی‌هایش معرفی کرد. «درواقع واکنشی مخالف با سه اصلی بود که معمولاً در میان معنی‌شناسان زبانی و معنی‌شناسان منطقی، مبنای نگرش نسبت به معنی قرار می‌گرفت. این سه اصل عبارت‌اند از: نخست اینکه جملات خبری گونه‌ی اصلی جملات زبان‌اند؛ دوم اینکه کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق

جملات است و سوم اینکه صدق یا کذب معنی پاره‌گفتارها را می‌توان تعیین کرد» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴). آستین بر آن بود که گاهی پاره‌گفتارهای بیانی، کنش و عمل زبانی را انتقال می‌دهند و مختص جمله نیستند؛ در نتیجه نه تنها پاره‌گفتار باید در شرایط کارایی اعمال شود؛ بلکه بر آن بود که باید به پاره‌گفتارها با کنش غیربیانی (فعل مضمون در سخن: *Ilocutionary*) یا به تحلیل و جنبه‌ی اجرایی آن‌ها توجه شود؛ اما در کنش گفتاری به کنش‌های پس بیانی (فعل ناشی از سخن: *Perlocutionary acts*) و لفظی (فعل تلفظی: *Locutionary*) توجهی نمی‌شود. افزون‌براین، «برای این پاره‌گفتارهای کنشی دوگونه جلوه‌ی صریح و غیرصریح مطرح می‌گردد: کنش گفتاری صریح حالتی است که فعل کنشی در جمله بیان می‌شود؛ اما در کنش گفتاری غیرصریح، فعل کنشی در جمله بیان نمی‌شود» (پالمر، ۱۳۹۱: ۲۳۴). اما نظریه‌ی کنش گفتاری و تقسیمات آستین از دیدگاه کنش بیانی و غیربیانی تا حدی محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی داشت که سرل، آن‌ها را تعدیل کرد.

جان راجرز سرل (*John Rogers Searle*) (۱۹۳۲م) آمریکایی شاگرد جان آستین بود. او کتاب *افعال گفتاری (Speech Acts)* را در سال ۱۹۶۹ با گسترش نظریات استادش، آستین، در این باره چاپ کرد که الگوی نظام‌مندی به این نظریه داد و موضوع‌هایی مانند طبقه‌بندی افعال گفتاری، افعال گفتاری غیرمستقیم و استعاره را بر آن افزود (رک). سرل، ۱۳۸۷: ۷۰). سرل نظریه‌ی زبان را بخشی از نظریه‌ی فعل می‌دانست (رک). همان: ۷۱). همچنین افعال گفتاری را که در ارتباط با ذهن انسان است، بر واقعیت جهان منطبق می‌دانست (رک). همان: ۷۳).

سرل سه سطح فعل گفتاری آستین را دنبال و آن را به صورت سه سطح بیانی، قضیه‌ای و پیام‌رسانی مطرح کرد (رک). فالر و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷). وی بعدها این سه سطح را گسترش داد و وارد حوزه‌های امری یا ترغیبی، تعهدی و غیره کرد. «از منظر سرل، هنگام بیان گفته‌ای، چهار کنش هم‌زمان صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: کنش گفتن، کنش گزاره‌ای، کنش منظوری و کنش تأثیری» (به نقل از *Green & LeBihan, 1991: 29*).

افزون‌براین، او به تقسیم‌بندی کنش‌های گفتاری با توجه به کنش مضمونی (مضمون در سخن یا غیربیانی) آستین پرداخته و پنج کنش را برای آن در نظر گرفته است:

۱. کنش اظهاری یا توصیفی (تصریحی): طبقه‌بندی تصریحی، گوینده را به صدق آنچه گفته است، متعهد می‌کند؛ مانند: ادعا کردن، تصدیق کردن و روایت کردن؛
۲. ترغیبی یا امری: گوینده مخاطب را به انجام کاری به شیوه‌ای معین وامی‌دارد؛ مانند تقاضا کردن، هشدار دادن و توصیه کردن؛
۳. تعهدی: گوینده را به انجام دادن عملی در آینده، متعهد می‌سازد؛ مانند قول دادن، پیشنهاد و تهدید.

۴. عاطفی: احساسات یا نگرش گوینده را بیان می‌کند؛ مانند تشکر، تبریک و عفو.
 ۵. اخباری یا اعلامی (تقریری): نوعی تغییر در جهان ایجاد می‌کند؛ مانند محکوم کردن، استعفا دادن، اخراج کردن، نامیدن (رک. کریمی دوستان و آزادفر، ۱۳۹۲: ۱۵۸).
- سرل تقسیم‌بندی دیگری را برای کنش گفتاری به کار برده و میان کاربرد مستقیم و غیرمستقیم آن تمایز قائل شده است، چنان‌که در کنش گفتاری مستقیم، میان معنای جمله و قصد آن مطابقت وجود دارد؛ اما در کنش گفتاری غیر مستقیم این‌گونه نیست. پاره‌گفتار غیرمستقیم «صورت معمول یک نوع کنش گفتاری را دارا می‌باشد؛ اما معمولاً در بافت‌های خاص به‌عنوان متفاوتی از کنش گفتاری، ایفای نقش می‌کند» (همان: ۸۶).
- همچنین سرل اصطلاحات دیگری چون رخداد گفتاری و کنش اجرایی (کنش درون سخنی) را در پاره‌گفتار معین کرده است که رخداد گفتاری، به‌منزله‌ی «اجرای پاره‌گفتار به‌عنوان یک کنش گفتاری تفسیر می‌شود» (یول، ۱۳۷۳: ۱۶۵). کنش اجرایی به‌عنوان سخن یا گفتاری، «نمودی از عملکردی است که تنها از نیت درون مؤلف برمی‌آید و متعلق به جهان متن است» (فلکی، ۱۳۸۲: ۲۶).

۲.۲. کنش گفتاری و ارتباط با روایت‌شناسی بارت و گریماس

کنش گفتاری به دنبال دریافت توانش‌های زبانی در بازنمایی واقعیت‌های کلامی و زبانی است که این کنش در راستای روایت‌های زبانی هر کلام، داستان، شعر، سخن منظوم یا مثنوی با مضمون فعل در سخن و کنش اجرایی کلام مرتبط می‌شود. بنا به تعبیری روایت، پی‌آیند کنش کلامی است و به عبارتی: «در هر کنش کلامی همچون هر فرایند دلالت، هر روایت نیز می‌تواند بر پایه‌ی عناصر عاطفی رمزگان (واژگانی)، ارجاعی (اظهاری)، اجتماعی، شعری و فرازبانی باشد. اگر بخش‌هایی از روایت به راوی و نگرش او به آنچه روایت می‌کند معطوف باشد، کارکرد عاطفی دارند، اگر بر روایت‌ش‌نو متمرکز باشند، کارکرد کرداری (اجتماعی) دارند، اگر بر رمزگان (واژگان) روایت متمرکز باشند، بیشتر کارکرد فراروایتی دارند» (پرینس، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

در این باره به بیان ارتباط کنش گفتاری و روایت‌شناسی بارت و گریماس، برای تحلیل جنبه‌های کنش کلامی و روایی منطق‌الطیبر پرداخته می‌شود. منطق‌الطیبر روایتی داستانی دارد که از زبان چندین روای نقل می‌شود و پرینس (Prince) جدای از تأکید بر رمزگان واژگانی و کنش کلامی روایت بر آن است که «روایت داستانی باید حداقل شامل وضعیت آغازین، سپس یک رویداد و سرانجام، وضعیت سومی باشد که از آن رویداد حاصل گردد و عکس وضعیت آغازین است» (مارتین، ۱۳۹۵: ۶۸).

نقش افعال در این گونه گزاره‌های روایی فارغ از تأثیر آن‌ها، در روایت داستانی و برای نمونه منطق‌الطیبر، بارز و شاخص است؛ اما افعال جملات در پی‌رفت روایت، کارکرد همسانی ندارد. بارت نقش این افعال را این گونه مطرح می‌کند: «هر که متنی را می‌خواند، اطلاعاتی را تحت عناوین عامی از نوع، فعل گرد می‌آورد و این عناوین زنجیره‌ای از رویدادها را در متن مجسم می‌کنند؛ زنجیره‌ی رویدادها از راه نام‌گذاری و نام‌پذیری است که به وجود می‌آیند» (Barthes, 1974: 19). به عقیده‌ی بارت، رمزگان نامشی (افعال) بیانگر پی‌رفت منطقی رویدادها) امکان دگرگویی تمام رویدادهای داستان و ارائه‌ی توصیفی منسجم از روابط معنایی و منطقی حاکم بر جهان داستان را برای خواننده فراهم

می‌کند (رک. صافی پیرلوجه، ۱۳۹۵: ۱۱۶). ازسویی روایت‌شناسی مفهوم عامی است که برای نخستین بار تودوروف (Todorov) آن را برای تحلیل روایت‌های داستانی بنا نهاد (رک. اخوت، ۱۳۷۱: ۷). پیش از او، پراپ (Propp) روایت را به معنای «توصیف حکایت-ها براساس واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت به کار برده است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

گریماس (Greimas) پس از پراپ، به سیر زایشی معنا در روایت پرداخت و سه لایه‌ی ژرف ساخت، لایه‌ی میانی و روساخت را برای آن در نظر گرفت: «گریماس تلاش کرد که بین ساختارهای یک اثر ادبی و ساختارهای یک جمله، نزدیکی و پیوندی برقرار سازد. به نظر او اگر فعل، مرکز ثقل در جمله باشد، کنش‌گران همان کار را در روایت انجام می‌دهند» (عباسی، ۱۳۹۳: ۶۸). با توجه به این نظر گریماس درباره‌ی ساختار اثر، جملات و افعال آن می‌توان به این نکته دست یافت که افعال و کلمات به‌عنوان کنشگران روایت عطار در *منطق‌الطیر* و کنشگران دیگر این روایت، یعنی هدهد و پرندگان جدای از افعال و شخصیت‌های نمادین، به‌صورت افعال و جملاتی کنشگرانه، روایت متن را در جهت کنش گفتاری می‌سازند.

کنشگران گریماس در مدل موردنظرش به شش نوع رسیده‌اند که این کنشگران در تقسیم‌بندی کنش گفتاری سرل، به پنج مورد تقلیل یافته‌اند و تا حدی می‌توان گفت که هر دوی این مدل تقسیم‌بندی در جهت روایت‌مندی اثر موردتوجه‌اند: «نخستین مدل از کنش‌گران (نحو روایی) گریماس، کنشگر فرستنده یا تحریک‌کننده یا مسبب است که فاعل کنشگر را به مأموریت می‌فرستد و دستور اجرایی را فرمان می‌دهد» (همان: ۶۸). این کنشگر در جملاتی با کنش گفتاری ترغیبی (پیشنهادی)، شنونده یا مخاطب را به امری ترغیب می‌کند یا از آن برحذر می‌دارد. دومین: «کنشگر گیرنده یا سود برنده کسی است که از کنش فاعل کنشگر سود می‌برد» (همان: ۶۹). این کنشگر، نقش خواننده را تداعی می‌کند که در تقسیم‌بندی سرل جایگاهی ندارد. سومین: کنشگر فاعل، او کسی است که عمل می‌کند و به طرف شیء ارزشی خود می‌رود (رک. همان). این کنشگر

تداعی‌کننده‌ی کنش گفتاری اعلامی و تعهدی است و گویندگان این دو را به صورت اعلام، تعهد یا تهدید تبدیل به عمل می‌کنند. کنش چهارم، شیء ارزشی است که هدف و موضوع فاعل کنشگر است و می‌تواند هر پنج کنش گفتاری سرل (اظهاری، تعهدی، اعلامی، ترغیبی و عاطفی) را در برداشته باشد؛ چون بر فعل مضمون در سخن و کنش اجرایی گفتار تأکید می‌کند که در هر پنج کنش سرل یافت می‌شود. پنجم کنشگر بازدارنده و کسی است که مانع می‌شود تا فاعل کنشگر به شیء ارزشی برسد (رک. همان) که این کنشگر به صورت کنش توصیفی و عاطفی در گفتارهای هدهد و پرندگان نمود یافته است.

۳. بحث

۳.۱. کنش گفتاری افعال در منطق‌الطیر عطار

عطار اندیشه‌های ناب و نمادین عرفانی خود را در ساختاری روایی و به‌گونه‌ای تمثیلی، در قالب منظومه‌ای بلند با بهره‌گیری از گفت‌وگوهای میان هدهد و پرندگان یا روایت سوم شخص (شاعر) یا حکایت‌هایی به نقل از هدهد، بنا بر گفت‌وگوی میان افراد یا حیوانات به صورت داستانی ذکر کرده است. این منظومه‌ی تعلیمی - عرفانی از ارتباط سالک مبتدی با مرشد سخن می‌گوید که عطار در پی رساندن آنان به جلوه‌گاه حضرت حق، از روایت و خرده‌روایت‌هایی برای بیان جنبه‌های رمزی - عرفانی بهره برده است. او روایت اصلی را در گفت‌وگوی میان هدهد و پرندگان مطرح می‌کند که در این گفت‌وگوها پرسش‌ها و پاسخ‌هایی رد و بدل می‌شود و نوع کنش‌های گفتاری، هر دو را به صورت کنش بیانی مستقیم یا غیر مستقیم نمایان می‌کند؛ البته کنش بیانی غیرمستقیم (نقل به مضمون) در دامنه‌ی معنایی کارگفت‌ها یا کنش‌های گفتاری منطق‌الطیر برای انتقال محتوای کلام به خواننده اثرگذار است. این نقل به مضمون را به «دگرگویی» تعبیر می‌کنند: «کانونی‌سازی در این شیوه، از نوع بیرونی است، به این معنا که موضوع گفت‌وگو با گذر از کانون ادراک راوی به عبارتی موجز دگرگویی می‌شود» (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۵: ۱۶۰). در این دگرگویی، محتوای سخن در روایت گفت‌وگوها با بیان گفتاری جملات هم‌سویی

دارد. از طرفی روایت هدهد یا پرندگان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از زبان عطار) مطرح می‌شود، به صورتی که عطار با بیان ویژگی‌های شخصیتی هر پرنده به شکلی نامحسوس در جریان روایت دخالت می‌کند؛ سپس خارج می‌شود و گفتمان روایی را از زبان هدهد جهت می‌دهد.

تأکید عطار بر وادی‌ها (پاره‌گفتارها) و ذکر نام آن‌ها به صورت نوشتاری، ارتباط حاصل از گفت‌وگوهای میان هدهد و مرغان را هدف‌دار کرده است؛ به صورتی که پاره‌گفتار که مجموعه‌ای از نشانه (Sign) به شمار می‌آید، در کاربرد زبان‌های طبیعی به شکل مجموعه مؤلفه‌ی کلامی، از مجموعه مؤلفه‌ی غیرکلامی (مضمون در سخن) نیز برخوردار است؛ به همین دلیل پاره‌گفتار به صورت ساخت مقید در جهت معنی جمله به کار می‌رود (رک. لاینز، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۷)؛ بنابراین پاره‌گفتار نه تنها در جهت مؤلفه‌های کلامی، بلکه در جهت مؤلفه‌های غیرکلامی و معنایی، مفهوم‌های متفاوتی را در ساختار کنش‌گفتاری پنج‌گانه‌ی سرل در بردارد. در واقع معنای پاره‌گفتاری عنوان وادی‌ها در گستره‌ی کارکردی، منعکس‌کننده‌ی نوعی کنش‌گفتاری است.

از آنجایی که روایت این داستان به صورت گفت‌وگویی است، هر پرنده دیدگاه و اندیشه‌ی خود را به صورت گفتار ارتباطی بیان می‌کند: «گفتار هر پرنده، بازتاب معنا و آوای او به شمار می‌رود و از تلفیق این گفتارها، بافت روایی - گفت‌وگویی متن شکل می‌گیرد» (رضی و بتلاب اکبرآبادی، ۱۳۸۹: ۳۱). در این شیوه‌ی گفت‌وگویی روایی، کنش‌گفتاری هر پرنده، جدای از دیگری، در سایه‌ی اندیشه‌های خود محقق می‌شود. با وجود این، هریک از پنج کنش‌گفتاری پرندگان با مواجهه‌ی گفتاری هدهد پاسخ داده می‌شود؛ با این تفاوت که شیوه‌ی اقناع هدهد در این افعال، بیشتر با دیدی طنزآمیز به صورت ترغیبی (امری) است و پاسخ کنشگرایانه‌ی پرندگان به گفتار هدهد بر همین اساس صورت می‌گیرد و روایت بر پایه‌ی پرسش و پاسخ (مستقیم یا غیرمستقیم) مطرح می‌شود؛ روایت ثابتی که در یک خط ممتد پیش می‌رود؛ اما بر کنش‌های گفتاری و جنبه‌های تأویلی افزوده می‌شود:

جمله‌ی مرغان ز هول و بیم راه	بال و پَر پُر خون، برآوردند آه
راه می‌دیدند پایان ناپدید	درد می‌دیدند درمان ناپدید
باد استغنا چنان جستی در او	کاسمان را پشت بشکستی در او

(عطار، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱)

حکایت‌ها و تمثیل‌های این منظومه به صورت گذرا و بی‌توجهی به ویژگی‌های روایی و زیبایی و به صرف تأیید سخن هدهد، در این منظومه درج شده است: «هر تمثیل و حکایتی که در داستان اصلی ذکر می‌شود، ضامنی برای بیان دیگری است و به طور غیر مستقیم، نوعی پیوند میان یک گفتمان و گفتمان غیر ایجاد می‌کند» (کهنمویی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲). حکایت شیخ‌صنعان یا سمعان و دختر ترسا شاخص‌ترین داستان فرعی یا خرده روایت منطق‌الطیر به شمار می‌رود. روایت اصلی این حکایت با کنش گفتاری توصیفی و اظهاری بیان شده است. تعدد راویان این خرده‌روایت به دلیل کنش گفتاری روایت‌های درونی داستان است. کل روایت‌های آن را می‌توان به صورت خلاصه چنین بیان کرد: نخست) روایت اصلی داستان شیخ‌صنعان از زبان شیخ، دختر و مریدان. دوم) روایت‌های فرع بر اصل داستان از زبان هدهد که در ادامه‌ی روایت اصلی متناسب با بیان روایت راویان دیگر است. سوم) خرده‌روایت برای تأکید بر روایت اصلی داستان از زبان عطار که به صورت درنگ توصیفی ذکر می‌شود و نتیجه‌گیری عرفانی به همراه دارد و خارج از روایت برای تأیید داستان شیخ‌صنعان و فدا کردن جان در مسیر جانان با تأکید بر روایت هدهد است:

عاشق را با کفر و با ایمان چه کار	عاشقان را لحظه‌ای با جان چه کار
عاشق، آتش بر همه خرمن زند	اره بر فرقش نهند، او تن زند

(عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

کنش‌های گفتاری این خرده‌روایت بیشتر به صورت توصیفی یا اظهاری، عاطفی و ترغیبی یا امری است که کنش‌های عاطفی و توصیفی، بیشتر از زبان شیخ و مریدان و کنش‌های ترغیبی که بیشتر حالت امری و دستوری دارند، از زبان دختر ترسا خطاب به

شیخ هستند و روایت از زبان عطار و هدهد، بیشتر به صورت توصیفی برای نقل داستان، ادامه‌ی روایت و نتیجه‌گیری پایانی صورت گرفته است. در کل گزاره‌های تصریحی (اظهاری) و ترغیبی در *منطق‌الطیر* ثابت می‌کند که عطار از هر فرصتی برای تعلیم و بیان عقاید خویش استفاده می‌کرده است (شفیعی، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۴).

۳. ۱. ۱. کنش گفتاری هدهد در *منطق‌الطیر*

کنش گفتاری افعال در اعمال سخن گوینده به صورت افاده‌ی بار معنایی خاص به واژه و اعمال آن در جهت القای مفهوم به کار می‌رود. در حقیقت کنش گفتاری: «در کارکرد القای بار معنایی به صورت فعل مضمون در سخن نمایان می‌شود که در آن باید دو شرط محقق گردد: نخست، شرایط انجام دادن فعل و دیگر، تنسيق قواعد در آن» (سرل، ۱۳۸۷: ۱۶۹). اگر این دو شرط مهیا شوند، معنای فعل گفتاری در جمله یا پاره‌گفتارها نمایان می‌شود. همچنین اگر فعل مضمون در سخن در افاده‌ی بار معنایی واژه، توان منظوری را به صورت غیرمستقیم تصریح و آشکار کند، به کنش اجرایی یا فرضیه‌ی کنشی کلام یا کنش غیر بیانی جملات (Hypothesis Performative) منجر می‌شود. براساس نظریه‌ی کنش کلامی سرل، عطار و هدهد یا پرندگان یا خرده‌روایت‌ها (حکایت‌ها و تمثیل‌ها) افعال گفتاری یا فعل مضمون در سخن، بیشتر به گونه‌ای غیرصریح با کنش اجرایی بیان شده‌اند که در روایت عطار، حالت اظهاری (توصیفی) دارند و در روایت هدهد بیشتر در بردارنده‌ی کنش گفتاری اظهاری یا ترغیبی (هشدار یا پیشنهادی) هستند؛ اما روایت پرندگان بیشتر به صورت اظهاری و عاطفی و خرده‌روایت‌ها بیشتر توصیفی‌اند.

از طرفی فعل مضمون در سخن هدهد، بیشتر حالتی از توصیف و ترغیب را نمایان می‌کند و در آن به شرح ویژگی‌های وادی‌ها، سختی راه، ترغیب و تهدید پرندگان و گاهی با کنش تعهدی، توجه پرندگان را به رخدادهای گفتاری^۲ پسین معطوف می‌کند. در واقع هدهد به عنوان راوی دوم این منظومه و در جایگاه قدرت، بر اندیشه و فکر پرندگان اعمال نفوذ می‌کند و گاهی با تکیه بر کنش ترغیبی که جنبه‌های امری و پیشنهادی به صورت مثبت یا منفی دارد، پرندگان را به دیدگاه موردنظر خود سوق می‌دهد و دیدگاه

آنان را دگرگون می‌کند؛ برای نمونه پس از اینکه هریک از پرندگان، عذر و بهانه‌ای برای خودداری از سفر به سوی سیمرغ می‌آورند، هدهد با کنش گفتاری اظهاری، جمله‌هایی را بیان می‌کند که در کنش اجرایی با بیانی غیرصریح و به صورت ترغیبی (امری) مطرح می‌شود، به عبارت دیگر، هدهد پرندگان را به فدا کردن جانشان در راه سیمرغ تشویق می‌کند و آن‌ها را از آغاز راه متوجه آخرین مرحله می‌کند:

هدهد رهبر چنین گفت آن زمان	کانکه عاشق شد نه اندیشد ز جان
چون به ترک جان بگوید عاشقی	اره بر فرقتش نهند او تن زند
درد و خون دل ببايد عشق را	قصه‌ی مشکل ببايد عشق را

(عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

کنش گفتاری گفت‌وگوهای پرندگان و هدهد که گاهی در قالب گفت‌وگو و پرسش و پاسخ یا کنش در عمل (ژست و حالات) روایت می‌شود، براساس روایت ممتد (غیر اصلی) و تأثیر این کنش در روایت‌پردازی عطار صورت گرفته است، به این شکل که هر گفت‌وگو یا بیان عذر و بهانه‌ای از سوی پرندگان، هدهد را قائل به کنش و عکس‌العمل می‌کند که به صورت فعل مضمون در سخن از نظر سرل و به صورت کنش غیربیانی در میان سخنانش نمود می‌یابد که معنا یا کنش معنایی یا اجرایی خاصی را به آن‌ها القا می‌کند.

۳.۱.۱.۱. کنش گفتاری اظهاری و ترغیبی هدهد

کنش گفتاری هدهد در بیان وادی‌ها، جواب عذر پرندگان، گفت‌وگوها، حکایت‌ها و تمثیل‌ها بیشتر دربردارنده‌ی گونه‌ای کنش اظهاری و ترغیبی است تا شعله‌ی خواهش را در وجود طالبان برافروزد و آن‌ها را با توصیف مراحل (بیان واقعیت یا تأکید و تصدیق) یا کنش پیشنهادی یا دستوری (منفی یا مثبت) به آن سمت بکشاند. در واقع در موارد ذکر شده، کنش گفتاری اظهاری (توصیفی یا تصریحی) هدهد با کنش گفتاری ترغیبی (امری)، آمیخته می‌شود و با خط روایت اصلی همسویی دارد:

تشنگی بر کمال اینجا بود صد هزاران خون، حلال اینجا بود

گر بیاری دست تا عرش مجید دم مزن یک ساعت از هل من یزید
خویش را در بحر عرفان غرق کن ورنه باری خاک ره بر فرق کن
گر نرداری شادایی از وصل یار خیز باری ماتم هجران بدار
(همان: ۱۹۵)

عطار در این ابیات که در وادی معرفت سروده شده‌اند، درعین حال که با کنش اجرایی به توصیف وادی معرفت و تصدیق و تأیید مراحل و سختی‌های آن می‌پردازد، به سالکان (پرندگان) هشدار می‌دهد و حتی گاهی با بیانی سرزنشی (ترغیبی منفی) آنان را بر آن می‌دارد که در این راه هشیار باشند، به پا خیزند، در این مسیر گام بنهند و سختی آن را به جان بخرند. درحقیقت همدرد در پاسخ به حکایت طوطی و عذرهایش، با کنشی توصیفی و تمسخرآمیز به طوطی پیشنهاد می‌کند که جان به جانان بسپارد:

آب حیوان خواهی و جان دوستی رو که تو مغزی نرداری، پوستی
جان چه خواهی کرد، بر جانان فشان در ره جانان چو مردان، جان فشان
(همان: ۴۵)

۳. ۱. ۱. ۲. کنش گفتاری اعلامی و عاطفی همدرد

گفت‌وگوی همدرد با پرندگان که مبنای پرسش و پاسخ دارد و کنش گفتاری همدرد، پس از اینکه بیشتر به توصیف یا ترغیب پرندگان می‌پردازد، با کنشی اعلامی و تقریری پس از تهدید یا سرزنش پرندگان و با بیانی غیرمستقیم، وضعیت روحی و مادی آنان را اعلام می‌کند و با توجه به فرمان‌هایی خاص، دیدگاهشان را تغییر می‌دهد. همدرد در آغاز داستان پس از وصف سیمرغ و مسیر سفر، اعلام می‌کند که پادشاهی در پس کوه وجود دارد که به ما نزدیک است؛ ولی ما از او دور دوریم:

هست ما را پادشاهی بی‌خلاف در پس کوهی که هست آن کوه قاف
نام او سیمرغ، سلطان طیور او به ما نزدیک و ما زو دور دور
مردمی باید تمام، این راه را جان فشاندن باید این درگاه را
(همان: ۴۰-۴۱)

همچنین در پاسخ به حکایت کوف، با بیانی توصیفی که به صورت کنش اجرایی و فعل در مضمون سخن مطرح می‌شود، اعلام می‌کند که هرکس به گنج و زر عشق داشته باشد، او بت پرست است:

عشق گنج و عشق زر از کافری است هرکه از زر بت کند او آزی است
(همان: ۵۷)

ازسویی، هدهد از کنش گفتاری عاطفی به نسبت توصیفی و ترغیبی کمتر بهره برده، به صورتی که بیان عاطفی او به صورت فعل مضمون در سخن نیز در کنش گفتاری توصیفی مطرح شده است؛ بنابراین کنش گفتاری عاطفی روایت از زبان هدهد، در حالت ایستایی قرار دارد؛ اما کنش اعلامی در حد میانه پیش رفته است؛ چون روایت اصلی به خودی خود با کنش گفتاری اظهاری مطرح شده است؛ ولی این دو، نقش کمابیش اثرگذاری در عملکرد روایت دارند. درحقیقت چون کنش گفتاری عاطفی و اعلامی در این باره از زبان هدهد مطرح می‌شود، در جهت روایت اصلی داستان و تکمیل فرایند آن است که روایت اصلی داستان، سفر پرندگان و وصف سختی راه آن‌ها برای رسیدن به سیمرغ است و این کنش‌های گفتاری که در گفت‌وگوی هدهد و پرندگان و حکایت‌ها و تمثیل‌ها ظاهر می‌شود، تأییدی برای روایت اصلی یا فرع بر آن است که کنش اجرایی آن‌ها موارد ویژه‌ای چون رمزگشایی معانی پنهانی متن و دستیابی به کنش‌های بیانی غیرمستقیم را برای خواننده بازگو می‌کند؛ برای نمونه عطار در بیان وادی حیرت، کنش بیانی غیرمستقیم عاطفی را برای نمایان کردن جنبه‌های احساسی هدهد در وصف این وادی نمایان ساخته است:

هر نفس اینجا چو تیغی باشد	هر دمی اینجا دریغی باشد
آه باشد، درد باشد، سوز هم	روز و شب باشد، نه شب نه روز هم
مرد حیران چون رسد این جایگاه	در تحیر مانده و گم کرده راه
گوید اصلاً می‌ندانم چیز من	وان ندانم هم ندانم نیز من
عاشقم اما ندانم بر کی‌ام	نه مسلمانم نه کافر، پس چی‌ام

(همان: ۲۱۲)

۳. ۱. ۱. کنش گفتاری تعهدی هدهد

در کنش گفتاری تعهدی یا تعهدآور، گوینده انجام دادن کاری را برعهده می‌گیرد و در این رابطه از قول یا تهدید یا وعده و قسم بهره می‌برد تا سخن او قدرت اجرایی بیشتری داشته باشد؛ برای نمونه فعل‌هایی مانند «قسم می‌خورم» یا «قول می‌دهم» در این نوع کنش، افزون بر معنای تعهدی، در کنش اجرایی گونه‌ای از کنش غیربیانی است که فرد در آن، نهایت تعهد را با وصف یا پیشنهاد امری انجام می‌دهد که به صورت خبری، امری، پرسشی یا عاطفی امکان تحقق دارد. هدهد در ضمن گفت‌وگوهایش با بیان وعده‌های صادقانه‌ای در برابر پرنندگان، تعهد می‌کند که سیمرخ را در صورتی که سختی‌های راه سلوک را تحمل و طی کنند، دیدار خواهند کرد؛ به همین دلیل کنش گفتاری تعهدی هدهد در این باره با گونه‌ای کنش غیربیانی (اجرایی) گفته‌های خبری و توصیفی مطرح می‌شود. کنش گفتاری تعهدی از زبان هدهد در آغاز وصف سیمرخ و حکایت سختی مسیر سلوک، بیانگر وعده و قول هدهد در جهت رهایی از خودپرستی و رسیدن به جانان است:

لیک با من گر شما همره شوید	محرم آن شاه و آن درگه شوید
وارهید از ننگ خودبینی خویش	تا کی از تشویر بی‌دینی خویش
هرکه در وی باخت‌جان، از خودپرست	در ره جانان ز نیک و بد برست

(همان: ۳۹-۴۰)

قول هدهد در کنش اجرایی به «حکایت باز» که وعده می‌دهد، پادشاهی کردن با وجود همتا، نازیبا خواهد بود و باز قول می‌دهد که هرکس به شاه نزدیک باشد، بی‌شک در معرض خطر خواهد ماند:

هدهدش گفت ای به صورت مانده باز	از صفت دور و به صورت مانده باز
شاه را درملک اگر همتا بود	پادشاهی کی برو زیبا بود
هرکه باشد پیش او نزدیک‌تر	کار او بی‌شک بود تاریک‌تر

(همان: ۵۴)

۳. ۱. ۲. کنش گفتاری پرندگان در منطق‌الطیبر

کنش‌های گفتاری پرندگان در آغاز به صورت بیان روایت حکایت بلبل، صعوه، طاووس، طوطی، کوف، باز و غیره و پاسخ هدهد به این حکایت‌ها (ناتوانی‌ها و عذرهای آنان از دیدار سیمرغ) شکل می‌گیرد که این روایت، پس از جواب هدهد به آن عذرها به صورت پرسش و پاسخ پرندگان دیگر با هدهد درباره‌ی سبقت‌جویی او و ناتوانی، گناهکاری، غرور و نفس‌پرستی آن‌ها و ایراد بهانه‌های مختلف دیگری چون زردوستی، غمگینی، عشق و دلدادگی، ترس، حیرانی و... ادامه می‌یابد که این روایت با حضور کنش گفتاری گفتمان‌هایی از جهان داستانی راوی تفکیک‌ناپذیر می‌شود تا حدی که این روایت پس از آن با پاسخ هدهد به این پرسش‌ها و تعهد برخی دیگر از پرندگان به فرمان‌برداری، جان‌بازی، عالی‌همتی و وفاداری در محضر سیمرغ منجر می‌شود؛ بنابراین روایت داستانی این منظومه در این کنش گفتاری با بیانی غیرمستقیم از سوی پرندگان، در پایان منظومه به صورت گفتمان بازگویی شده‌ی عطار شکل می‌گیرد که عناصر زبانی این کنش‌ها، جدای از گفتمان‌های روایی این دو (هدهد و پرندگان)، با توجه به محتوای کنش گفتاریشان در خدمت روایت اصلی پیش می‌رود.

کنش‌های گفتاری پرندگان در گفت‌وگو با هدهد، بیشتر به صورت اظهاری و عاطفی است و نقش کنش عاطفی در گفت‌وگوهایشان در خطر روایت داستانی به صورتی است که به طول و تفصیل روایت اصلی انجامیده است؛ اما تاحدی کنش گفتاری توصیفی پرندگان با روایت همسوست. همچنین سه کنش ترغیبی، اعلامی و تعهدی به صورت نه‌چندان آشکاری به تکمیل روند روایت، آن هم به صورت گذرا یاری رسانده‌اند.

۳. ۱. ۲. ۱. کنش گفتاری اظهاری پرندگان

کنش اظهاری دربردارنده‌ی نوعی وصف، تصدیق یا حتی به‌گونه‌ای تأیید سخنان دیگری است که در بیشتر گفتمان‌های روایی پرندگان این ویژگی دیده می‌شود و هر پرنده‌ای در بیان پرسش‌ها یا عذرها و بهانه‌ها یا حتی تأییدهایش از این کنش بهره می‌برد و با هدهد گفت‌وگو می‌کند؛ برای نمونه عطار به وصف حال بلبل در حکایتی می‌پردازد و پس از

آن، خود بلبل با هدهد گفت‌وگو می‌کند و از عشق خود به گل و گلستان و از تاب نیاوردن دوری از گل می‌گوید که در بیشتر این سخنان، کنش اظهاری (توصیفی) نمایان شده است:

بازگویم هر زمان رازی دگر	در دهم هر ساعت آوازی دگر
عشق چون بر جان من زور آورد	همچو دریا جان من شور آورد
هر که شور من بدید، از دست شد	گرچه بس هشیار آمد، مست شد
چون نبینم محرمی سالی دراز	تن زنم، با کس نگویم هیچ راز

(همان: ۴۲)

در پایان هم تصدیق می‌کند که تنها خود بلبل است که راز گل و عشق به آن را می‌داند.

۳. ۱. ۲. کنش گفتاری عاطفی پرندگان

این کنش پس از کنش اظهاری، بسامد فراوانی را در گفت‌وگوهای پرندگان با هدهد به خود اختصاص داده است؛ زیرا بیشتر پرندگان در بیان پرسش و بهانه‌های خود، با کنشی عاطفی به گفت‌وگو با هدهد پرداخته‌اند که در آن گونه‌ای از غم و اندوه، حیرانی و دلدادگی یافته می‌شود و گویی با این بیان، قصد اثرگذاری و تغییر دیدگاه هدهد را نسبت به این سفر دارند که هدهد با پاسخ‌های قاطع و آمرانه به آن‌ها گوشزد می‌کند و آن‌ها را از این سخنان برحذر می‌دارد و با کنشی ترغیبی به دیدگاه موردنظر خود می‌کشانند که این روایت از آغاز داستان تا پیش از بیان وصف‌های وادی‌ها تکرار می‌شود؛ گفتمانی که بر محور پرسش و پاسخ میان موافق و مخالف دو طرف روایت، رد و بدل می‌شود:

دیگری گفتش که ای مرغ بلند	عشق دلبندی مرا کرده‌است بند
عشق او آمد مرا در پیش کرد	عقل من بر بود و کار خویش کرد
شد خیال روی او رهزن مرا	و آتشی زد در همه خرمن مرا
یک نفس بی او نمی‌یابم قرار	کفرم آید صبر کردن زان نگار

(همان: ۱۲۴)

این کنش از زبان پرنده‌ی دیگری است که ناتوانی خود را بهانه می‌کند و از هدهد می‌خواهد که او را معاف کند؛ چون در این راه زار زار خواهد مرد. همچنین این بهانه‌ها از زبان دیگر پرندگان بیان می‌شود و روند روایت را به شکل یکسانی از طریق گفتمان روایی نمایان می‌کند:

من ندارم قوت و بس عاجزم این چنین ره پیش نامد هرگز
از چو من مسکین چه خیزد جز غبار گر کنم عزمی بمیرم زار زار
(همان: ۹۶)

۳.۱.۲.۳. کنش گفتاری اعلامی و ترغیبی پرندگان

کنش گفتاری اعلامی در ضمن بیان مخالفت یا موافقت پرندگان با بیان مشکلات راه ازسوی هدهد، قابل مشاهده و بررسی است. در این کنش، پرندگان واکنش خود را نسبت به تغییر امور نمایان می‌کنند؛ چنان‌که در حکایت بوتیمار، این پرنده از آغاز عذر خود را برای نرسیدن به درگاه سیمرخ، تعلق خاطر و وابستگی به دریا بیان و اعلام می‌کند که تنها آرزوی دریاست و همواره در کنار آن آرامش دارد و در این باره به کسی آزار نمی‌رساند:

بر لب دریاست خوشتر جای من نشنود هرگز کسی آوای من
از کم آزاری من هرگز دمی کس نیازد ز من در عالمی
جز غم دریا نخواهم این زمان تاب سیمرخم نباشد، الامان
(همان: ۵۵)

ازسوی کنش ترغیبی در گفتمان پرندگان، بسیار کم کاربرد بوده است؛ چون هدهد این کنش را برای ترغیب، پیشنهاد، دستور یا فرمان دادن به پرندگان برای بازگشت از باورها یا بهانه‌های واهی به کار می‌برد تا چیرگی و تسلطش را در گفتمان روایی نسبت به دیگر پرندگان نشان دهد.

۳.۱.۲.۴. کنش گفتاری تعهدی پرندگان

این کنش نیز همچون کنش اعلامی و ترغیبی، به نسبت کمی در گفتمان روایی هدهد و پرندگان کاربرد داشته است؛ چون در این منظومه، هدهد به نسبت قابل قبولی به تعهد و

قول دادن به پرندگان پرداخته و وعده‌هایی را به آنان پس از دیدار با سیمرخ و حضور در پیشگاهش مطرح کرده است؛ هرچند که پرندگان پس از شنیدن پاسخ‌های هدهد در هنگام «عزم راه کردن (مرغان)» تعهد کرده‌اند که در همه حال، پیرو فرمان هدهد باشند و هدهد را سرور و رهبر خود در راه رسیدن به پیشگاه سیمرخ بدانند:

حاکم خود را به جان فرمان کنیم	نیک و بد هرچه او بگوید آن کنیم
عهد کردند آن زمان کو سرور است	هم درین ره پیش‌رو هم رهبر است
حکم حکم اوست، فرمان نیز هم	زو دریغی نیست تن، جان نیز هم

(همان: ۸۹)

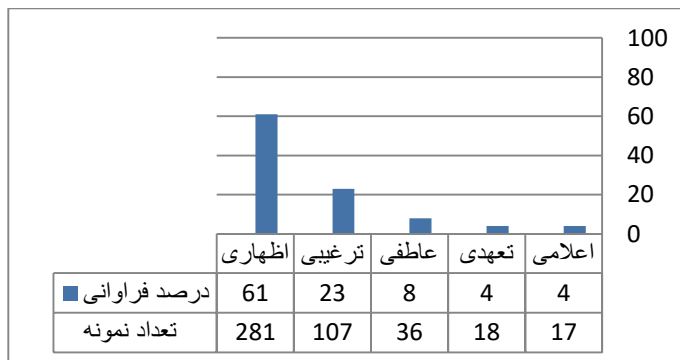
پرندگان دیگری هم تعهد می‌کنند که از سیمرخ فرمان‌برداری کنند که کنش گفتاری‌شان نمایان‌گر موافقت آنان با سخنان پیشین هدهد درباره‌ی راه رسیدن به سیمرخ دارد.

۳.۲. واکاوی تقابلی کنش‌های گفتاری هدهد و پرندگان

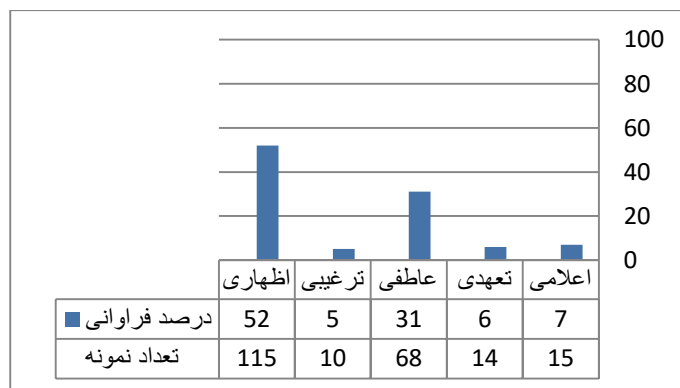
کنش‌های گفتاری هدهد و پرندگان در جهت بیان روایت (سفر به سوی سیمرخ) جدای از روایت دانای کل (عطار) درباره‌ی احوال و رفتار پرندگان و هدهد، درنگ‌های توصیفی میان این روایت، بیان گفتمان روایی هدهد و پرندگان و حکایت‌ها و تمثیل‌های فراوانی که در این روایت گنجانده شده، بیانگر دیدگاه هریک از این دو گروه در پی‌آیندی کنش اجرایی این گفتارها و تأکیدی بر جنبه‌ی مضمون در سخن آن‌ها دارد. از سوی دیگر، گفتمان روایی هدهد و پرندگان در پرسش‌ها و پاسخ‌ها بر مبنای نوعی رقابت کلامی و مجادله مطرح می‌شود که هر پرنده با بیان عذر، بهانه یا پرسشی روایت داستانی را در جهت موردنظر شاعر برای تبیین دیدگاه خاص خود پیش می‌برد. گاهی استفاده از خرده‌روایت‌هایی که به صورت حکایت یا تمثیل در *منطق‌الطیر* مطرح می‌شوند، موقعیت روایی داستان و هویت راوی اصلی و دیگر راویان را شکل می‌دهند.

عطار در این منظومه، کنش گفتاری میان پرندگان و هدهد را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (عاطفی، ترغیبی، توصیفی، اعلامی و تعهدی) و گاه حتی در حین بیان خرده روایت‌ها بیان کرده که اوج هنر وی را در نمایاندن دغدغه‌های درونی پرندگان می‌رساند. کنش گفتاری هدهد با گونه‌ای از جنبه‌های اجرایی و گفتاری اظهارات بیانی و توصیفی همراه است که در آن، احوال خود، سیمرخ، مسیر سلوک و پرندگان را وصف و به پرندگان دستورها و فرمان‌هایی را در قالب کنش ترغیبی القا می‌کند؛ اما کنش‌های عاطفی، اعلامی و تعهدی هدهد به نسبت نزدیک به هم نقش اجرایی در گفتمان روایی‌اش ندارد. کنش گفتاری پرندگان نیز با توجه به واکاوی و تحلیل نسبت‌های بیانی‌شان، بیشتر به صورت اظهاری و عاطفی است که جنبه‌ی کنش اظهاری پرندگان با توجه به وصف احوال و بهانه‌ها، پرسش‌ها و عذرهای آن‌ها بیان شده و کنش عاطفی با پایان ویژگی‌های درونی و ترسیم احوال و دغدغه‌هایشان در گفتمان روایی، نقش بسزایی داشته است؛ اما سه کنش اعلامی، تعهدی و ترغیبی، بیشتر در جهت تأیید یا به صورت کنش اجرایی از مفهوم کنش اظهاری (وصفی) برداشت می‌شود؛ چون گفتمان پرندگان بر مبنای وصف حال، نگرش‌ها و باورهایشان به صورت اظهاری و عاطفی صورت گرفته است؛ درحالی‌که اعلام موقعیت و شرایط یا تعهد به امری یا ترغیب به انجام دادن کاری در این کنش‌ها نمودی نداشته است. تقابل موجود میان کنش‌های گفتاری هدهد و پرندگان در اثرگذاری هرچه بیشتر گفت‌وگوهایشان بر خوانندگان نقش داشته و سبب پیشبرد گفتمان روایی منظومه شده است.

۳.۲.۱. بسامد کنش گفتاری هدهد در منطق‌الطیر



۳.۲.۲. بسامد کنش گفتاری پرندگان در منطق‌الطیر



۴. نتیجه‌گیری

منطق‌الطیر عطار به‌عنوان متنی داستانی دربردارنده‌ی ساختار روایی جامعی است که بافت موقعیتی جمله‌های گفت‌وگوهای آن در شکل‌دهی معنای گفتمان روایی نقش برجسته‌ای داشته است. عطار به‌عنوان راوی دانای کل این داستان، روایت‌های دیگری را درون این متن روایی گنجانده است؛ به همین دلیل چندگونگی روایی در آن موج می‌زند؛ چه از سوی عطار و چه از سوی پرندگان و هدهد یا راویان دیگری چون سیمرغ یا راویان حکایت‌ها و تمثیل که از زبان هدهد نقل می‌شود. گاهی عطار به‌عنوان تأیید‌کننده‌ی

روایت هدهد، سیمرخ یا دیگر راویان حضور می‌یابد و نوع کنش روایتی را جهت‌دار می‌سازد و گونه‌ای از مجادله و تقابل کلامی را میان پرندگان و هدهد و دیگران ایجاد می‌کند. همین گفت‌وگوها بیان‌کننده‌ی قصد گوینده است که به شکل بیان مضمونی و گاهی غیرمستقیم با افعال گوناگون صورت می‌گیرد؛ افعالی که نقش تعیین‌کننده‌ای در توصیف و اخبار یا ترغیب و پیشنهاد یا دستوری درباره‌ی خاص یا اقرار و اعلام امری در جهان خارج یا تعهد به انجام کاری یا بیان عاطفی کنش جمله‌ها دارد. افعال کنش‌های توصیفی، ترغیبی، تعهدی، اعلامی و عاطفی را در ساختارهای پرسشی، خبری و انشایی دارند.

افعال منطق‌الطیر در گفت‌وگویی روایی که میان پرندگان و هدهد مبادله شده‌اند، به دلیل در برداشتن کنش‌های اجرایی و بیان فعل مضمون در سخن که به صورت افاده‌ی بار معنایی به دیگر واژه‌ها و جملات بوده، با توجه به کنش گفتاری سرل قابل‌بررسی و واکاوی بوده و هر پنج‌گونه کنش گفتاری سرل با بیانی مستقیم یا غیرمستقیم در گفت‌وگوهای هدهد و پرندگان موردتحلیل وصفی و آماری قرار گرفته است.

کنش گفتاری موجود در این منظومه به صورت گفت‌وگویی و کنش اجرایی بوده و همراه با مباحثه و مجادله‌ی لفظی غیرفعال مطرح شده که پرسش‌گران با پاسخ طرف مقابل مجاب و شک و تردید و بهانه‌های آن‌ها در این باره محدود می‌شده و پایان می‌یافته است. کارکرد معنایی گفت‌وگوهای این دو گروه با توجه به کنش‌های گفتاری در پیشبرد روایت نقش برجسته‌ای داشته که این گفت‌وگوها در کنار روایت اصلی نقل شده‌اند. همچنین کنش گفتاری افعال در جریان شیوه‌ی بیان مستقیم یا غیرمستقیم در کنار روایت اصلی و خرده‌روایت‌های منطق‌الطیر که به صورت «حکایت و تمثیل» عنوان شده‌اند، کارکرد معنایی و مفهومی را به کل روایت وارد ساخته است. کنش گفتاری این منظومه به صورت مجزا در گفت‌وگوهای هدهد و پرندگان با روشی تحلیلی و آماری مورد بررسی قرار گرفته که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد کنش اظهاری در گفت‌وگوهای پرندگان و هدهد درصد بالایی را به خود اختصاص داده است؛ اما کنش‌های گفتاری تعهدی و اعلامی چندان در این گفت‌وگوها موردتوجه نبوده‌اند؛ چون هریک از پرندگان به دنبال

بیان عذر و بهانه‌ی خود یا توصیف دیدگاه خود از سفر بوده که بیشتر آن را به صورت توصیفی و اظهاری بیان کرده‌اند؛ درحالی‌که کنش گفتاری ترغیبی (پیشنهادی) در گفت‌وگوهای همدید جایگاه بارزی داشته؛ چون در پی آن بوده که پرنندگان را با دیدگاه‌های خود همراه کند و به کنش گفتاری عاطفی توجه چندانی نداشته است.

یادداشت‌ها

۱. معادل معنایی که برای کلمه‌ی فرهنگ لغت ذکر می‌شود.
۲. Speech Event: پاره‌گفتاری که در برقراری ارتباط شنونده با گوینده با توجه به شرایط حاکم بیان می‌شود، دربردارنده‌ی رخداد گفتاری است. درواقع تفسیری از کنش گفتاری اجرا شده است که می‌تواند معنای ثانوی از گفته‌ی خبری چون پرسشی، عاطفی و ... را دربرداشته باشد (رک. سرل، ۱۳۸۷: ۵۱).

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. تهران: فردا.
- بارت، رولان و همکاران. (۱۳۹۴). درآمدی بر روایت‌شناسی. ترجمه و گردآوری هوشنگ رهنما، تهران: هرمس.
- بتلاب اکبرآبادی، محسن؛ رضی، احمد. (۱۳۹۱). «تحلیل ساختار روایی منظومه‌های عطار (الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه)». متن‌پژوهی ادبی، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۵۴، صص ۳۰-۵.
- پالمر، فرانک. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: مرکز کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- پرینس، جراللد. (۱۳۹۱). روایت‌شناسی (شکل و کارکرد روایت). ترجمه‌ی محمد شهباء، تهران: مینوی خرد.

- جلالی، مریم؛ صادقی، معصومه. (۱۳۹۵). «کنش گفتاری و ارتباط آن با طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه». *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۵.
- رضی، احمد؛ بتلاب اکبرآبادی، محسن. (۱۳۸۹). «*منطق‌الطیر عطار و منطق گفت‌وگویی*». *زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۶، صص ۱۹-۴۶.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). *افعال گفتاری*. ترجمه‌ی محمدعلی عبداللهی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شفیعی، سمیرا. (۱۳۹۹). «بررسی اقتباس در روایت رساله‌الطیرهای فارسی و عربی از منظر پیوند نظریه‌ی کنش گفتار جان سرل و بیش‌متنیت ژرار ژنت». *روایت‌شناسی*، سال ۴، شماره ۷، صص ۸۱-۱۱۵.
- صافی پیرلوجه، حسین. (۱۳۹۵). *درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی*. تهران: نی.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره‌ی مهر (حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی).
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۸۵). *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز*. تهران: مرکز.
- عباسی، علی. (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی کاربردی (تحلیل زبانشناختی روایت: تحلیل کاربردی)*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۸۹). *منطق‌الطیر*. به‌اهتمام و تصحیح سیدصادق گوهرین، تهران: علمی و فرهنگی.
- فالر، راجر و همکاران. (۱۳۹۴). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه و گردآوری مریم خوران و حسین پاینده، تهران: نی.
- فلکی، محمود. (۱۳۸۲). *روایت داستان تئوری‌های پایه‌ی داستان‌نویسی*. تهران: بازتاب نگار.
- قاسمی‌پور، قدرت. (۱۳۹۱). *صورت‌گرایی و ساختارگرایی در ادبیات*. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.

۱۲۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۴، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۴۰۱ (پیاپی ۵۳)

کریمی دوستان، غلامحسین؛ آزادفر، رؤیا. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی. تهران: باور عدالت.

کهنمویی، ژاله. (۱۳۸۳). «چندآوایی در متون داستانی». پژوهشنامه‌ی زبان‌های خارجی، شماره‌ی ۱۶، صص ۵-۱۶.

لاینز، جان. (۱۳۹۱). درآمدی بر معنی‌شناسی زبان. ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: علمی.

مارتین، والاس. (۱۳۹۵). نظریه‌های روایت. ترجمه‌ی محمد شهبان، تهران: هرمس.

یول، جورج. (۱۳۷۳). بررسی زبان (مبثی در زیباشناسی همگانی). ترجمه‌ی اسماعیل

جاویدان و حسین وثوقی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

_____ (۱۳۹۵). کاربردشناسی زبان. ترجمه‌ی محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر

توانگر، تهران: سمت.

Bakhtin, M.M. (1984). *Problems Of Postoevsky's Poetics*. Minneapolis:

University Of Minnesota Press.

Barthes, R. (1974). *S/Z*. trans. Richard Miller. New York: Hill and

Wang.

Green, K. & J. LeBihan. (1991). *Critical Theory and Practice*. A Course

Book. London & New York: Routledge.